درس اول

جهان فرهنگی

پرسش‌های بنیادین

- هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود، به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد:
- این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به‌مثابهٔ **روح** یا **شالودهٔ** آن فرهنگ عمل می‌کنند.
- پرسش‌های بنیادین به سه دسته تقسیم می‌شوند:

هستی‌شناسانه	آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟
انسان‌شناسانه	آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟
معرفت‌شناسانه	آیا تنها راه شناخت، حسی و تجربی است؟

- پاسخ به این پرسش‌ها، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد.
- مجموعه‌های بزرگ و مهم را به‌دلیل **گستردگی و اهمیتشان**، **جهان** می‌نامند و جهان هستی به دو جهان **انسانی** و **تکوینی** تقسیم می‌شود:

الف) جهان انسانی:

- محصول زندگی انسان است و هرچه با عمل و اندیشهٔ انسان پدید می‌آید.
- جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود:



- **هماهنگی بخش‌های ذهنی و فرهنگی:** هر فرهنگی، نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در خود به وجود می‌آورد و به همان نوع، اجازهٔ بروز می‌دهد. / هر نوع عقیده و اخلاقی نیز، فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.

ب) جهان تکوینی:

- پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و ارادهٔ انسان است.
- برخی جهان تکوینی را به جهان طبیعت **محدود می‌دانند** و از سه جهان سخن می‌گویند.
- متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت **محدود نمی‌دانند** و آن را به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.
- جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند؛ درنتیجه بین جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی این تعامل برقرار است:

تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی		
دیدگاه اول	**دیدگاه دوم**	**دیدگاه سوم**
• محدود کردن جهان تکوینی به طبیعت • جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی • هویت مادی داشتن ذهن افراد و فرهنگ • تفاوت قائل شدن بین علوم طبیعی و انسانی • نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی	• مهم‌تر دانستن جهان فرهنگی از جهان ذهنی و تکوینی • تابع فرهنگ بودن جهان ذهنی و فردی افراد • اهمیت نداشتن جهان ذهنی و تکوینی • جهان تکوینی مادهٔ خام فرهنگ و جوامع مختلف • استقلال نداشتن جهان ذهنی و تکوینی در برابر جهان فرهنگی	• مهم بودن جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی • محدود نبودن جهان تکوینی به جهان طبیعت • منحصر نبودن ادراک و آگاهی به انسان • رفتار حکیمانه داشتن جهان تکوینی با افراد و جوامع • فراهم کردن فرصت تعامل صحیح انسان با خود و هستی

نکته: قرآن کریم، برای جامعه و فرهنگ، جایگاه ویژه‌ای قائل است و در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد.

درس دوم

فرهنگ جهانی

گسترهٔ فرهنگ‌های مختلف

- فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند:
- در طول زمان، در سرزمین واحد، فرهنگ‌های متفاوتی شکل می‌گیرند.
- در زمانی واحد، در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند.

نکته: اسلام و مسیحیت، هم تداوم تاریخی بالا و هم گسترهٔ جغرافیایی وسیع دارند.

- فرهنگ‌هایی که ظرفیت جهانی شدن دارند، دو گونه‌اند:

الف) فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن متعلق به قوم و گروه خاصی است ولی **نگاهی سلطه‌جویانه دارد**، مانند صهیونیسم و سرمایه‌داری.

ب) فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن، **متعلق به قوم و گروه خاصی نیست** بلکه ضمن دنبال کردن سعادت انسان‌ها، از **آرمان‌های مشترک سخن می‌گوید**.



ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب

ویژگی‌ها		توضیحات
حقیقت		• معیار و میزانی برای سنجش عقاید مختلف • توانایی دفاع از حقانیت ارزش‌های خود
معنویت		• جلوگیری از گرفتار شدن افراد به بحران‌های روحی • توجه همزمان به نیازهای مادی و معنوی و ابدی
عدالت و قسط		• پیشگیری از تفرقه بین جوامع و تباهی امکانات • جلوگیری از قطبی شدن جهان و بهره‌کشی ظالمانهٔ انسان‌ها
آزادی		• تأمین رهایی انسان از قید و بندهایی که مانع رسیدن به کمال می‌شوند. • پاسخ به دو پرسش ۱. آزادی از چه؟ ۲. آزادی برای چه؟
تعهد و مسئولیت		• فراهم کردن زمینهٔ گسترش ارزش‌های جهان‌شمول • تربیت انسان مسئول و مقابله با نفوذ سلطه‌گران
عقلانیت	سطح اول	• توانایی پاسخ به پرسش‌های بنیادین و ثابت بشر • توانایی دفاع از هویت بشر
	سطح دوم	• پاسخ به پرسش‌های متغیر بشر

نکتهٔ ۱: فرهنگ‌های جبرگرا و غیرمسئول، نقش انسان‌ها را در تعیین سرنوشتشان انکار می‌کنند و آن‌ها را به موجوداتی منفعل و غیرمسئول تبدیل می‌کنند.

نکتهٔ ۲: تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌ها نیست و **مراسم حج**، نمونهٔ بارز تأکید همزمان **بر شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان انسان‌ها** و فرهنگ‌هاست.

۶۵۱. **عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای کدام فرهنگ، در خدمت گروه یا قوم خاصی نیست؟**

۱) فرهنگ سلطه یا استکبار ۲) فرهنگ سرمایه‌داری ۳) فرهنگ حق ۴) فرهنگ صهیونیسم

۶۵۲. **عبارت زیر، بیانگر کدام ویژگی فرهنگ مطلوب جهانی است؟**

«ارزشی است که مانع پایمال شدن حقوق انسان‌ها و بهره‌کشی ظالمانهٔ برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر می‌شود.»

۱) آزادی ۲) عقلانیت ۳) عدالت ۴) حقیقت

۶۵۳. **کدام ویژگی فرهنگ مطلوب جهانی، براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر، مانند معنویت پاسخ داده می شود؟**

۱) آزادی ۲) عقلانیت ۳) عدالت ۴) حقیقت

۶۵۴. **فرهنگی که عقاید و ارزش‌های آن مربوط به قوم و منطقهٔ خاصی است، چه زمانی می‌تواند جهانی شود؟**

۱) وقتی سعادت همهٔ انسان‌ها را دنبال کند و از عقاید و آرمان‌های متفاوت انسانی سخن بگوید.

۲) زمانی که از گسترهٔ جغرافیایی وسیع برخوردار بوده و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نکند.

۳) وقتی جامعه‌ای کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار دهد و در خدمت کشورهای پیرامون خود باشد.

۴) زمانی که نسبت به سایر اقوام و مناطق، نگاه سلطه‌جویانه داشته باشد.

۶۵۵. **به‌ترتیب، درصورتی‌که کدام‌یک از ارزش‌های متعلق به یک فرهنگ جهانی محقق نشود، نتایج زیر حاصل می‌شود؟**

– نداشتن معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف

– ناتوانی در پاسخ به پرسش‌های ثابت و متغیر انسان

– از بین رفتن قدرت مقاومت بشر و تبدیل شدن انسان به موجودی منفعل

۱) عقلانیت – تعهد و مسئولیت – معنویت ۲) حقیقت – عقلانیت – تعهد و مسئولیت

۳) آزادی – عدالت و قسط – معنویت ۴) معنویت – آزادی – عدالت و قسط

۶۵۶. **پاسخ پرسش‌های زیر، به‌ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**

– با کدام ویژگی فرهنگ مطلوب جهانی، می‌توان از تفرقهٔ بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر جلوگیری کرد؟

– کدام فرهنگ، از تداوم تاریخی بالا و گسترهٔ جغرافیایی محدود برخوردار است؟

– کدام فرهنگ، تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به‌دنبال می‌آورد؟

– فارابی، جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، چه می‌نامد؟

۱) حقیقت – فرهنگ اینکاها – فرهنگ سرمایه‌داری – مدینهٔ تغلب ۲) عدالت – فرهنگ اینکاها – فرهنگ استکبار – مدینهٔ جاهله

۳) حقیقت – فرهنگ ژاپن – فرهنگ سرمایه‌داری – مدینهٔ ضالّه ۴) عدالت – فرهنگ ژاپن – فرهنگ استکبار – مدینهٔ فاسقه

۶۵۷. **در کدام گزینه صحیح یا غلط بودن عبارت‌های زیر مشخص شده است؟**

– فرهنگ‌های جبرگرا، نقش انسان‌ها را در تعیین سرنوشتشان انکار می‌کنند.

– معنای زندگی و مرگ، پرسش همیشگی بشر است و چه‌بسا فردای تاریخ، مسئلهٔ او نباشد.

– مراسم حج، نمونهٔ بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست.

– آزادی همواره دو پرسش به‌همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟

۱) غ – غ – غ – ص ۲) ص – ص – غ – ص ۳) غ – ص – غ – غ ۴) ص – غ – ص – ص

۶۵۸. **کدام‌یک از گزینه‌های زیر، مربوط به ویژگی فرهنگ‌های جبرگرا و غیرمسئول نیست؟**

۱) انسان‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند.

۲) فرهنگ‌هایی هستند که نقش انسان‌ها را در تعیین سرنوشتشان انکار می‌کنند.

۳) انسان‌ها را موجودی غیرمسئول بار آورده و زمینهٔ نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

۴) فرهنگ‌هایی هستند که با ایجاد روحیهٔ تعهد، زمینهٔ گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم می‌آوردند.

۶۵۹. **کدام‌یک از فرهنگ‌های زیر، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می‌گیرد؟**

۱) فرهنگ سلطه ۲) فرهنگ صهیونیسم ۳) فرهنگ استکبار ۴) فرهنگ سرمایه‌داری

۶۶۰. **در کدام گزینه به‌ترتیب ویژگی‌های هر یک از فرهنگ‌های مسیحیت، اینکاها، ژاپن و اسلام، از نظر تداوم تاریخی یا گسترش جغرافیایی به‌درستی بیان شده است؟**

۱) تداوم تاریخی بالا – گسترهٔ جغرافیایی وسیع – گسترهٔ جغرافیایی وسیع – تداوم تاریخی بالا

۲) گسترهٔ جغرافیایی وسیع – تداوم تاریخی پایین – تداوم تاریخی بالا – گسترهٔ جغرافیایی وسیع

۳) گسترهٔ جغرافیایی محدود – تداوم تاریخی بالا – گسترهٔ جغرافیایی وسیع – تداوم تاریخی بالا

۴) تداوم تاریخی پایین – گسترهٔ جغرافیایی محدود – تداوم تاریخی بالا – گسترهٔ جغرافیایی وسیع

۶۶۱. **هر یک از گزاره‌های «رهایی انسان‌ها از قید و بند ظلم و مانع رسیدن به کمال»، «فراهم کردن زمینهٔ گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول» و «معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف»، به‌ترتیب به کدام ویژگی فرهنگ جهانی مطلوب اشاره دارد؟**

۱) آزادی – تعهد و مسئولیت – حقیقت ۲) عدالت – عقلانیت – حقیقت

۳) عدالت – تعهد و مسئولیت – معنویت ۴) آزادی – عقلانیت – معنویت

۶۶۲. **کدام ویژگی فرهنگ جهانی مطلوب، انسان را از بحران های روحی و روانی نجات می‌دهد و علاوه بر نیاز مادی و دنیوی، نیاز ابدی او را نیز فراهم می‌کند؟**

۱) عدالت ۲) عقلانیت ۳) معنویت ۴) آزادی

مشاوران آموزش
پرسش‌های چهارگزینه‌ای
پاسخ تشریحی

۶۶۳. **کدام گزینه در رابطه با ویژگی «حقیقت» در فرهنگ جهانی مطلوب درست، اما در رابطه با ویژگی «تعهد و مسئولیت»، نادرست می باشد؟**

۱) فرهنگ‌هایی که نقش انسان را در تعیین سرنوشتشان انکار می‌کنند. - چنین ویژگی‌هایی با پاسخ به پرسش‌های بنیادین بشر، توانایی دفاع از هویت خود را خواهد داشت.

۲) معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف دارد. - با این روحیه می‌تواند زمینهٔ گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

۳) فرهنگ‌هایی که وظیفه‌شان پیشگیری از تباه شدن منابع و امکانات است. - چنین ویژگی‌هایی مانع تبدیل شدن انسان‌ها به موجوداتی منفعل می‌شود.

۴) با این ویژگی می‌توان از حقانیت ارزش‌های خود، دفاع کرد. - ویژگی‌هایی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او، چشم‌پوشی کند.

۶۶۴. **فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، ..... می‌نامد و فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن، مطابق نیاز فطری باشد، ..... است.**

۱) مدینهٔ فاسقه - فرهنگ حق ۲) مدینهٔ تغلب - مدینهٔ جاهله ۳) مدینهٔ جاهله - مدینهٔ تغلب ۴) فرهنگ حق - مدینهٔ فاسقه

۶۶۵. **فرهنگی را «فرهنگ سرمایه‌داری» گویند که .....**

۱) با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار گیرد.

۲) آرمان‌های نژاد خاصی را مورد توجه قرار دهد.

۳) از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن گوید.

۴) کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار داده و کشورهای پیرامون را به خدمت گیرد.

۶۶۶. **فرهنگ‌هایی که نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند، از وجود کدام ویژگی بی‌بهره‌اند؟**

۱) عدالت ۲) حقیقت ۳) معنویت ۴) عقلانیت

۶۶۷. **به‌ترتیب هر یک از عبارت‌های زیر، بیانگر کدام مفهوم می‌باشد؟**

- یک فرهنگ باید توان مقاومت آدمیان را در برابر فرهنگ‌های رقیب فراهم کند.

- یک فرهنگ باید بتواند علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهای ابدی و معنوی انسان را نیز پاسخ دهد.

- یک فرهنگ باید بتواند به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد.

- یک فرهنگ باید بتواند مانع قطبی شدن جهان و بهره‌کشی ظالمانهٔ برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر شود.

۱) حقیقت - حقیقت - آزادی - عدالت ۲) تعهد و مسئولیت - معنویت - عقلانیت - عدالت

۳) حقیقت - عقلانیت - عقلانیت - آزادی ۴) تعهد و مسئولیت - تعهد و مسئولیت - معنویت - آزادی

۶۶۸. **کدام فرهنگ، کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد؟**

۱) فرهنگ سلطه ۲) فرهنگ صهیونیسم ۳) فرهنگ استکبار ۴) فرهنگ سرمایه‌داری

۶۶۹. **کدام‌یک از فرهنگ‌های زیر، از تداوم تاریخی بالا و گسترهٔ جغرافیایی محدود برخوردار است؟**

۱) ژاپن ۲) اسلام ۳) مسیحیت ۴) اینکاها

۶۷۰. **به‌ترتیب کدام فرهنگ‌ها براساس قابلیت جهانی شدن، «دارای ارزش‌های عام و جهان‌شمول»، «دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای با نگاه سلطه‌جویانه» و «دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای بدون نگاه سلطه‌جویانه» می‌باشد؟**

۱) اینکاها - ژاپنی‌ها - مسیحیت ۲) اسلام - مسیحیت - سرخ‌پوستان

۳) اسلام - جهان غرب - سرخ‌پوستان ۴) اینکاها - جهان غرب - صهیونیسم

۶۷۱. **کدام دسته از ویژگی‌های زیر، مربوط به فرهنگ جهانی مطلوب می‌باشد؟**

۱) هویت - تعهد و مسئولیت - عقلانیت ۲) مقاومت - عدالت - حقیقت

۳) دین‌باوری - هویت‌یابی - معنویت ۴) عقلانیت - تعهد و مسئولیت - عدالت

سؤالات ترکیبی

۶۷۲. **به‌ترتیب پاسخ پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟**

- کدام فرهنگ، تسلط یک قوم، جامعه یا گروه خاصی را بر دیگران به دنبال می‌آورد؟

- متفکران مسلمان، کدام جهان را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند؟

- در بحث جهان انسانی، ابعاد اخلاقی، روانی و شخصی انسان‌ها به کدام بخش تعلق دارد؟

- کدام فرهنگ‌ها از تداوم تاریخی بالا، ولی گسترهٔ جغرافیایی محدود برخوردار هستند؟

۱) فرهنگ سلطه - جهان فوق طبیعت - بخش فردی - اینکاها

۲) فرهنگ استکبار - جهان تکوینی - جهان ذهنی - فرهنگ ژاپن

۳) فرهنگ سرمایه‌داری - جهان تکوینی - جهان فرهنگی - اینکاها

۴) فرهنگ صهیونیسم - جهان فوق طبیعت - بخش اجتماعی - فرهنگ ژاپن

۶۷۳. **هر یک از گزاره‌های «گرفتار شدن به بحران‌های روحی و روانی»، «ناتوانی در پاسخ به پرسش‌های ثابت و متغیر بشر»، «نداشتن معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌ها» و «از بین رفتن قدرت مقاومت آدمیان»، در نبود کدام ویژگی فرهنگ جهانی مطلوب پدیدار می‌شود؟**

۱) تعهد و مسئولیت - معنویت - عدالت - تعهد و مسئولیت ۲) تعهد و مسئولیت - عقلانیت - حقیقت - آزادی

۳) معنویت - معنویت - عدالت - آزادی ۴) معنویت - عقلانیت - حقیقت - تعهد و مسئولیت

درس اول

ذخیرهٔ دانشی

ذخیرهٔ دانشی (ذخیرهٔ آگاهی)

دانش عمومی: ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم، این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است.

- گسترده‌ترین بخش ذخیرهٔ دانشی است.

دانش علمی: با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید. با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند.

- شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر است.

انواع تعارض میان دانش علمی و دانش عمومی

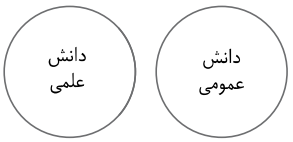
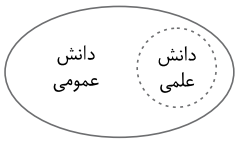
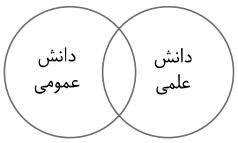
- **تعارض نوع اول**: گاهی میان دانش عمومی و دانش علمیِ یک جهان اجتماعی، تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جهان اجتماعی برای حل این تعارض‌ها تلاش می‌کنند.
- تعارض‌ها گاهی با رها کردن بخشی از ذخیرهٔ دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.
- **تعارض نوع دوم**: وقتی رویکرد جهان متجدد، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند، به جوامع دیگر که دانش علمی را به دانش تجربی منحصر و محدود نمی‌بینند، سرایت می‌کند. ← تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم رواج می‌یابد. ← در ذخیرهٔ دانشی آن‌ها تعارض‌هایی پدید می‌آورد. ← ارتباط دوسویهٔ دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود. ← دانش عمومی به‌طور همه‌جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند. ← دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند. ← دانش علمی، دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

نکته: برای حل این تعارض‌ها و مشکلات، ایدهٔ علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) مطرح شده است.

نکات کلیدی

- علوم از نظر موضوع متفاوت‌اند.
- در اوایل قرن بیستم میلادی، عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به‌جای موضوع بر روش تأکید می‌کردند (روش تجربی را تنها روش کسب علم دانستند).
- رویکرد آن‌ها از نیمهٔ دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد.

سه دیدگاه دربارهٔ رابطهٔ دانش عمومی و دانش علمی

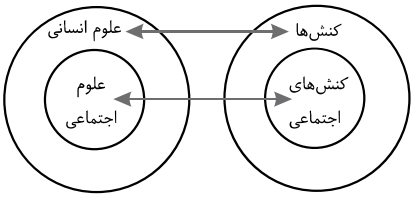
دیدگاه تبیینی	دیدگاه تفسیری	دیدگاه متفکران مسلمان
		
• تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست. • دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به‌صورت نظام‌مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. • دانش علمی (تجربی) تنها دانش معتبر و راه کشف واقعیت است. • دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. • دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.	• در تقابل با رویکرد اول (تبیینی) است. • همهٔ دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. • دانش‌ها خلق و بازسازی واقعیت هستند. • برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند. • به‌عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. • در برخی نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرومی‌پاشد.	• دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود، بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. • دانش عمومی، دانش غیرموثق و نامعتبر نیست بلکه کم‌وبیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. • دانش علمی به‌دلیل امکان اعتباریابی نسبت به دانش عمومی، از اعتبار بیشتری برخوردار است. • دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. • دانش عمومی و دانش علمی، رابطهٔ متقابل دارند (یعنی بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به‌مرور متناسب می‌شوند)، از این‌رو هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست.

درس دوم

علوم اجتماعی

نسبت میان علوم انسانی و علوم اجتماعی

برخی از کنش‌های انسان اجتماعی‌اند. علوم انسانی، کنش‌های انسان و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند و علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند. ← موضوع علوم انسانی، عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود، بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شود.



برخی علوم انسانی در زمرهٔ علوم اجتماعی نیستند. روان‌شناسی، نمونه‌ای از **علوم انسانی** و جامعه‌شناسی، نمونه‌ای از **علوم اجتماعی** است.

نکته: از دیدگاه کتاب، علوم انسانی و علوم اجتماعی موضوعات متفاوتی دارند. این نگاه، وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرونمی‌کاهد.

موضوع علوم		
فلسفه	علوم اجتماعی و علوم انسانی	علوم طبیعی
• اصل وجود • به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازند. • قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همهٔ موجودات می‌شود و مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی و اجتماعی نیست، مانند قانون علیت. فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی و اجتماعی؛ بلکه خود، دانشی مستقل است.	• کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن • قوانین مربوط به کنش‌های آدمیان را مطالعه می‌کند، مانند اقتصاد.	• پدیده‌های طبیعی • قوانین طبیعت و پدیده‌های طبیعی را شناسایی می‌کند. مثال: زیست‌شناسی دربارهٔ موجودات زنده بحث می‌کند.

مقایسهٔ فواید علوم اجتماعی و علوم طبیعی

علوم اجتماعی:

- شناخت پدیده‌های اجتماعی
- پیش‌بینی آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی
- کشف نظم و قواعد جهان اجتماعی
- زمینهٔ فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازند.
- به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کنند.
- ظرفیت داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها را دارند.
- فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

علوم اجتماعی، ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را دارد و دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند. ← (نتیجه) به انسان‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند. ← علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

۱۳۳۷. در ارتباط با علوم اجتماعی و فواید علوم طبیعی کدام گزینه درست و نادرست است؟

۱) کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند و خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند ولی برخی علوم اجتماعی در زمرهٔ علوم انسانی نیستند. – جهان طبیعت و پدیده‌های آن را مطالعه می‌کنند و به انسان در استفاده از طبیعت کمک می‌کنند.

۲) مطالعهٔ علمی اجتماعاتی مانند کلاس، محله، خانواده، روستا، شهر، کشور و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید. – علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت‌اند.

۳) دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به‌شیوهٔ صحیح استفاده کنند. – با شناخت طبیعت و قوانین آن انسان را از محدودیت‌های طبیعت رها می‌کند.

۴) به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوهٔ زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوهٔ زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند. – با شناخت طبیعت و قوانین آن به انسان قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف را می‌دهند.

۱۳۳۸. کدام گزینه جدول زیر را کامل می‌کند؟

علوم انسانی	ارتباط جامعه‌شناسی خرد و کلان	«الف»	علوم تفهمی
«ت»	«پ»	مطالعهٔ ساختار اجتماعی	«ب»

۱) جامعه‌شناسی خرد – فهم معانی کنش‌های انسان‌ها – نیازمند یکدیگرند. – برخی علوم انسانی در زمرهٔ علوم اجتماعی نیستند مانند روان‌شناسی، این نگاه وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و واکنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرونمی‌کاهد.

۲) جامعه‌شناسی کلان – فهم معانی کنش‌های انسان‌ها توسط علوم انسانی – مکمل یکدیگرند. – از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی کنش نیستند. علومی که به این پدیده‌ها می‌پردازند با آنکه دربارهٔ انسان بحث می‌کنند، جزء علوم انسانی نیستند.

۳) جامعه‌شناسی کلان – فهم معانی کنش‌های انسان‌ها – مستقل از یکدیگرند. – کنش‌های انسان و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند و موضوع آن عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و برخی علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است.

۴) جامعه‌شناسی کلان – علوم انسانی – مکمل یکدیگرند. – به‌دلیل اینکه به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، علوم انتقادی گفته می‌شود و دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های طبیعت به انسان‌ها آگاهی می‌دهد و وسیلهٔ غلبهٔ او بر محدودیت‌های طبیعی است.

۱۳۳۹. کدام گزینه در ارتباط با قانون علیت و شاخه‌های علوم اجتماعی درست و نادرست است؟

۱) شناسایی قوانین کلی موجودات طبیعی – شاخه‌ها و دانش‌های علوم اجتماعی، بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند و برای بررسی و مطالعهٔ آن‌ها تخصص‌های گوناگونی پدید آمده است.

۲) خودبه‌خود اتفاقی در جهان رخ نمی‌دهد. – ابعاد مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگیِ زندگی اجتماعی، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است؛ مانند حقوق، سیاست، باستان‌شناسی، جغرافیای انسانی، مدیریت، روان‌شناسی.

۳) هر پدیدهٔ طبیعی و انسانی و اجتماعی علتی دارد. – برخی جامعه‌شناسی را علم شناخت کنش اجتماعی و بعضی آن را علم شناخت ساختار اجتماعی دانسته‌اند.

۴) مخصوص موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نیست. – کنش‌های اجتماعی ابعاد و انواع مختلفی دارند و برای بررسی و مطالعهٔ این انواع و ابعاد، دانش‌های مختلفی به وجود آمده است.

۱۳۴۰. کدام گزینه جدول زیر را کامل می‌کند؟ (به‌ترتیب)

موضوع علوم طبیعی	«الف»	علوم انسانی	«ت»
«پ»	قانون علیت از مصادیق آن است.	«ب»	کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کند.

۱) قوانین کلی موجودات – برخی از آن‌ها در زمرهٔ علوم اجتماعی نیستند. – شناسایی پدیده‌های جهان هستی – علوم انسانی

۲) موضوع فلسفه – موضوع خاصی دارد. – شناسایی قوانین اجتماعی و کشف آن‌ها – علوم اجتماعی

۳) اصل وجود – کنش‌های انسان – قوانین طبیعت – موضوع فلسفه

۴) موضوع فلسفه – از فعالیت‌های غیرارادی بحث نمی‌کند. – پدیده‌های طبیعی – علوم اجتماعی

۱۳۴۱. هر عبارت با کدام قسمت نمودار مرتبط است؟

شناخت نظم و قواعد زندگی اجتماعی	«ب»	فناوری	«ت»
«پ»	به موجودی خاص نمی‌پردازد و قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند.	«الف»	شناخت آن بدون فهم معنای آن ممکن نیست.

– کنش

– در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات

– اصل وجود

– بر زندگی بشر سیطره یافته و او را کنترل می‌کند.

۱) ت – پ – الف – ب

۲) پ – الف – ت – ب

۳) ت – پ – ب – الف

۴) ت – الف – ب – پ

۱۳۴۲. مفاهیم جامعه‌شناسی در متن زیر کدام‌اند؟

«انتشار خبر دروغین فوت آلفرد نوبل، شیمی‌دان سوئدی، مخترع دینامیت و صاحب کارخانهٔ اسلحه‌سازی بوفورس در یک روزنامه او را به فکر انداخت که تصویر بهتری از خود برای آیندگان به جا گذارد و نوبل بیشتر دارایی خود را به جایزه‌ای به نام خود اختصاص داد تا همه‌ساله به افراد شایسته اهدا گردد.»

۱) علوم ابزاری – فواید علوم ابزاری – علوم اجتماعی زمینهٔ فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازند. – علوم اجتماعی فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

۲) علوم طبیعی – غلبه بر محدودیت‌های طبیعی توسط علوم اجتماعی و فناوری حاصل از آن – علوم اجتماعی به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیدهٔ اجتماعی را پیش‌بینی کنند. – علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها ابزار بهره‌مندی انسان‌ها از طبیعت و همچنین وسیلهٔ غلبه بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

۳) علوم اجتماعی – فواید علوم ابزاری – علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها را دارند. – علوم اجتماعی فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

۴) علوم ابزاری – دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند تا نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. – علوم اجتماعی زمینهٔ فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازند. – علوم اجتماعی کمک می‌کنند که انسان‌ها از طبیعت و علوم طبیعی به‌شیوهٔ صحیح استفاده کنند.

۱۳۴۳. کدام گزینه با تصاویر زیر مرتبط نیست؟





تخریب ایمن



پل جاودانه‌ها

۱) علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن‌ها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و همچنین وسیلهٔ غلبهٔ او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

۲) علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را نیز دارند و دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند.

۳) علوم اجتماعی با شناخت پدیده‌های اجتماعی به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند و به‌سبب قدرت پیشگیری علوم طبیعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی و نقد و اصلاح آن اعتبار بیشتری دارد.

۴) علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند و به انسان‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به‌شیوهٔ صحیح استفاده کنند.

۱۳۴۴. کدام گزینه جدول زیر را کامل می‌کند؟

مقایسهٔ فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی	
فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و علوم اجتماعی
«ب»	«الف»
«ت»	«پ»

۱) رها کردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید. – رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت – شناسایی عواملی که بر زندگی و کنش‌های او تأثیر دارند. – بهره‌مندی انسان از طبیعت و وسیلهٔ غلبهٔ او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

۲) ظرفیت داوری دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن‌ها – نشان دادن شیوهٔ صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری – انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانهٔ انسان‌ها – شناخت طبیعت و قوانین آن

۳) رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت و استفادهٔ صحیح از طبیعت و علوم طبیعی – شناخت طبیعت و قوانین آن – پیشگیری از حوادث و عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند. – آگاهی دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری

۴) شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری دربارهٔ کنش‌های خوب و انسان‌ها – آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید. – رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت – کمک به انسان‌ها در استفاده از طبیعت و توانمندی‌های قوانین آن

۱۳۴۵. هر عبارت نشانهٔ چیست؟

– ملاک ارزیابی رشته‌های تحصیلیِ بسیاری از خانواده‌ها

– پیش‌بینی در آن پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.

– به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند.

– اثرگذاری و اثرپذیریِ اجتماعات انسانی را بر کنش‌ها و شیوهٔ زندگی ما به روش علمی مطالعه می‌کنند.

۱) فرصت‌های شغلی – علوم اجتماعی – پدیده‌های اجتماعی – علوم اجتماعی

۲) آیندهٔ شغلی – علوم اجتماعی – پدیده‌های طبیعی – علوم اجتماعی

۳) فرصت‌های شغلی – علوم انسانی – پدیده‌های تکوینی – علوم ابزاری

۴) آیندهٔ شغلی – علوم انسانی – پدیده‌های اجتماعی – علوم اجتماعی

۸۶۵. **گزینهٔ ۱** در سطح زندگی و عمل، مسیحیان و آباء کلیسا در تعامل با فرهنگ امپراتوری روم، به‌سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند. کلیسا در این مقطع، عملکرد دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می‌کرد (رد گزینه‌های «۳» و «۴»). / دولت‌های سکولار غربی با تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند و از طریق سازمان‌های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می‌گذاشتند (رد گزینهٔ «۲»). / در رویکرد جدید، علوم تجربی در بین علوم مختلف بیشترین اهمیت را پیدا کرد. / جوامعی که از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی‌توانستند به‌صورت مستقیم آن‌ها را تحت سلطهٔ سیاسی خود درآورند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. در دورهٔ استعمار، این‌گونه جوامع، تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می‌گرفتند و در شرایط نیمه‌استعماری به سر می‌بردند؛ مانند چین، عثمانی و ایران.

۸۶۶. **گزینهٔ ۴** در فرایند تکوین نظام نوین جهانی، مراحل چهارگانهٔ زیر طی شد: ۱. پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار: زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد. ۲. پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت: صنعت، عنصر دیگری بود که انباشت ثروت سرمایه‌داران را سرعت بخشید. ۳. به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری: کشورهای غربی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیرغربی نیاز داشتند. ۴. استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی: استعمار مهم‌ترین عامل ادغام جوامع غیرغربی در نظام جهانی جدید بود.

۸۶۷. **گزینهٔ ۲** دولت‌های غربی با تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند و از طریق سازمان‌های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می‌گذاشتند (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). / مسلمانان آسیای جنوب شرقی از طریق تجارت با فرهنگ اسلامی آشنا شدند و به آن روی آوردند (رد گزینهٔ «۳»). / لیبرالیسم را جایز دانستن همهٔ امور در قیاس با خواست انسان تعریف کرده‌اند. / حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند.

۸۶۸. **گزینهٔ ۴** علت نادرستی گزینهٔ «۴»: در دوران رنسانس حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار گرفتند.

۸۶۹. **گزینهٔ ۲** زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). در نهایت، با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفتند که به‌طور رسمی جدایی خود را از دین اعلام کردند. این دولت‌ها برخلاف حکومت‌های گذشته، خود را نه با هویتی دینی، بلکه با ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و خصوصاً نژادی و قومی می‌شناختند. دولت - ملت‌های جدید از این طریق پدید آمدند (رد گزینهٔ «۳»).

۸۷۰. **گزینهٔ ۳** دولت‌های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزهٔ دینی نداشتند. آن‌ها همان‌گونه که در ابتدا برای حذف قدرت کلیسا (رد گزینه‌های «۱» و «۴») و ایجاد سیاست سکولار، حرکت‌های پروتستانی را به خدمت گرفتند، در این مرحله، از تبلیغ مسیحیت (رد گزینهٔ «۲») برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده کردند. طی قرون وسطی، آباء کلیسا از شعارها و مفاهیم معنوی و توحیدی استفاده می‌کردند؛ اما رویکرد دنیوی داشتند.

۸۷۱. **گزینهٔ ۱** سه مورد از عبارت‌ها صحیح می‌باشند.

بررسی عبارت‌ها: الف: درست (رد گزینه‌های «۲» و «۳») / ب: نادرست (رد گزینهٔ «۴») / پ: درست / ت: درست

۸۷۲. **گزینهٔ ۳** دولت‌های غربی با تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند و از طریق سازمان‌های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می‌گذاشتند (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / نشر و گسترش اسلام نیز متکی بر قدرت سیاسی و نظامی آن نبود، بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود. ایرانیان، به‌تدریج اسلام را پذیرفتند (رد گزینهٔ «۱»). / اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود که در آن کشاورزان وابسته به زمین بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند. / فرهنگ جدید غرب با پیدایش فلسفه‌های روشنگری آغاز می‌شود.

۸۷۳. **گزینهٔ ۳** در اغلب موارد، کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به‌طرف اقتصاد تک‌محصولی (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴») سوق داده می‌شوند؛ به این معنا که صادرات آن‌ها به یک مادهٔ خام محدود می‌شود.

۸۷۴. **گزینهٔ ۲** بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ «۱»: هر دو عبارت درست می‌باشند. / گزینهٔ «۲»: عبارت اول درست، ولی عبارت دوم نادرست است؛ تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، آشکارا برخلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب است. / گزینهٔ «۳»: عبارت اول نادرست است؛ در اقتصاد سرمایه‌محور، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود. عبارت دوم نادرست است؛ کشورهای کمترتوسعه‌یافته در برابر امپراتوری رسانه‌ای آسیب‌پذیرترند؛ زیرا منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند. / گزینهٔ «۴»: هر دو عبارت درست می‌باشند.

۸۷۵. **گزینهٔ ۳** صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند (درستی گزینهٔ «۲»). توسعهٔ صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه (درستی گزینهٔ «۱») و جهان را کوچک کرده و آن را به‌صورت دهکده‌ای واحد درآورده است (درستی گزینهٔ «۴»).

۸۷۶. **گزینهٔ ۱** بررسی عبارت‌ها: الف: نادرست؛ صنعت ارتباطات (نه مبادلات فرهنگی)، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). / ب: نادرست؛ وابستگی کشورهای استعمارزده، امکان عبور از مرحلهٔ استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر (نه استعمارزده) پدید می‌آورد (رد گزینهٔ «۴»). / پ: درست؛ کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می‌سازند. / ت: درست؛ ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، فرهنگ‌ها را از علمی که بر پایهٔ بنیان‌های معرفتی دینی است، محروم می‌گرداند.

۸۷۷. **گزینهٔ ۳** برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد و در حال ایجاد نظمی نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند.

۸۷۸. **گزینهٔ ۴** تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه‌تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند، بلکه آشکارا برخلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب نیز هست.

۸۷۹. **گزینهٔ ۲** دولت - ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی - اقتصادی جدیدی بودند که نخستین‌بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند. آن‌ها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند و کاملاً سکولار بودند. هویت آن‌ها اغلب ناسیونالیستی و قومی است.

۸۸۰. **گزینهٔ ۴** کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی (رد گزینهٔ «۲») را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می‌سازند.

۸۸۱. **گزینهٔ ۱** بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود. / اقتصاد وابسته، دولت‌های مستقل را ناگزیر می‌کند تا در چرخهٔ نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار گیرند. / ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد؛ زیرا این علوم موجب می‌شوند که فرهنگ‌های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازنگری و ارزیابی کنند.

۸۸۲. **گزینهٔ ۲** خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود جامعه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد (درستی گزینهٔ «۱») و درنتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به‌گونه‌ای تقلیدی، فراگیرد (درستی گزینهٔ «۳»). در شرایطی که جوامع غیرغربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند (درستی گزینهٔ «۴»).

غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی موردنظر به دست می‌گیرد.

۸۸۳. **گزینهٔ ۳** جوامع غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت‌رسانی به غرب مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می‌دهند، ولی از آموزش دانش‌های راهبردی، خودداری می‌کنند (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»). در شرایطی که جوامع غیرغربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی مورد نظر به دست می‌گیرد. / صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند. / به‌سبب موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا، در عرصهٔ رسانه، بسیاری از ناظران از امپراتوری رسانه‌ای نیز سخن می‌گویند. / برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد و در حال ایجاد نظمی نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند.

۸۸۴. **گزینهٔ ۲** کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف (رد گزینه‌های «۱» و «۳»)، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند، ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت (رد گزینهٔ «۴») نیست؛ بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین‌ترتیب، با وجود رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی همچنان حفظ می‌شود.

۸۸۵. **گزینهٔ ۳** دولت – ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی – اقتصادی جدیدی بودند که نخستین‌بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»). آن‌ها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند و کاملاً سکولار بودند. هویت آن‌ها اغلب ناسیونالیستی و قومی است. این کشورها در مسیر توسعهٔ خود به‌صورت قدرت‌های استعماری درآمدند.

۸۸۶. **گزینهٔ ۲** کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)، ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست، بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است (رد گزینهٔ «۳»).

۸۸۷. **گزینهٔ ۱** به‌دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر، مبادلات تجاری (رد گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴») در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به‌طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می‌کند.

۸۸۸. **گزینهٔ ۲** جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند؛ اما تربیت نخبگان کشورهای غیرغربی بیشتر به شیوه‌های دیگر انجام می‌شود: توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی / تثبیت مرجعیت علمی غرب

۸۸۹. **گزینهٔ ۱** کشورهای غربی بعد از آنکه در کشورهای استعمارزده با مقاومت‌های سیاسی و نهضت‌های آزادی‌بخش مواجه می‌شوند (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت می‌شناسند (رد گزینهٔ «۳»)؛ اما اقتصاد وابسته، دولت‌های مستقل را ناگزیر می‌کند تا در چرخهٔ نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار گیرند.

۸۹۰. **گزینهٔ ۲** به‌سبب موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا (رد گزینه‌های «۳» و «۴»)، در عرصهٔ رسانه، بسیاری از ناظران از امپراتوری رسانه‌ای نیز سخن می‌گویند (رد گزینهٔ «۱»).

۸۹۱. **گزینهٔ ۴** به‌تدریج، انباشت ثروت (درستی گزینهٔ «۲»)، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی (درستی گزینهٔ «۱») و گسترش صنعت ارتباطات (درستی گزینهٔ «۳»)، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

۸۹۲. **گزینهٔ ۲** اقتصاد سرمایه‌محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود (رد گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»)، ولی به‌تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

۸۹۳. **گزینهٔ ۱** تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / اقتصاد سرمایه‌محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود (رد گزینهٔ «۳»). / جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند؛ اما تربیت نخبگان کشورهای غیرغربی به روش توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی و تثبیت مرجعیت علمی غرب انجام می‌شود. / تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه‌تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند، بلکه آشکارا برخلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب نیز هست.

۸۹۴. **گزینهٔ ۴** در شرایطی که جوامع غیرغربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی مورد نظر به دست می‌گیرد. صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند.

۸۹۵. **گزینهٔ ۲** خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود جامعه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و درنتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به‌گونه‌ای تقلیدی، فراگیرد.

۸۹۶. **گزینهٔ ۲** جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد (رد گزینهٔ «۳»).

۸۹۷. **گزینهٔ ۴** ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد (رد گزینه‌های «۲» و «۳»)؛ زیرا این علوم موجب می‌شوند که فرهنگ‌های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازنگری و ارزیابی کنند (رد گزینهٔ «۱»). این پدیده، فرهنگ‌ها را از علمی که بر پایهٔ بنیان‌های معرفتی دینی است، محروم می‌گرداند.

۸۹۸. **گزینهٔ ۳** به‌سبب موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا، در عرصهٔ رسانه (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)، بسیاری از ناظران از امپراتوری رسانه‌ای نیز سخن می‌گویند. از این منظر، امپراتوری فرهنگی تازه‌ای تأسیس شده است که کشورهای کمترتوسعه‌یافته در برابر آن آسیب‌پذیرترند؛ زیرا منافع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند (رد گزینهٔ «۱»).

۸۹۹. **گزینهٔ ۲** انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

۹۰۰. **گزینهٔ ۱** برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد و در حال ایجاد نظمی نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند (رد گزینه‌های «۳» و «۴»). تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه‌تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند. بلکه آشکارا برخلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب نیز هست (رد گزینهٔ «۲»).

تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، فرهنگ‌ها را از علمی که بر پایهٔ بنیان‌های معرفتی دینی است، محروم می‌گرداند.

۹۰۱. **گزینهٔ ۳** بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»). جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند.

۹۰۲. **گزینهٔ ۱** با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی (رد گزینه‌های «۲» و «۳») و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود (رد گزینهٔ «۴»). آن‌ها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند.

۹۰۳. **گزینهٔ ۳** تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»). بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود. ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد.

۹۰۴. **گزینهٔ ۴** با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود. آن‌ها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند.

۹۰۵. **گزینهٔ ۲** عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سدهٔ اخیر تغییر یافته‌اند و به‌دنبال آن، نقش کشورها و دولت‌های آن‌ها در جهان تغییر کرده است. برخی از این فرایند جدید با عنوان جهانی شدن یاد می‌کنند. برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد (درستی گزینهٔ «۴») و در حال ایجاد نظمی نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند (درستی گزینهٔ «۳»). این دیدگاه مخالفانی نیز دارد که معتقدند در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به‌گونه‌ای نیست که نظمی نوین را در سطح جهانی به دنبال آورد، بلکه چالش‌ها و تضادهایی را پدید می‌آورد. مقابله با این چالش‌ها، بیشتر توسط جنبش‌هایی صورت می‌گیرد که فراتر از مرزهای سیاسی دولت‌ها عمل می‌کنند (درستی گزینهٔ «۱»).
دلیل نادرستی گزینهٔ «۲»: پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به‌گونه‌ای مستقل بود. روابط تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد؛ اما در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمارشده و تحت نفوذ، برای رفع نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به‌تدریج تغییر یافت و ویژگی‌های خاصی پیدا کرد.

۹۰۶. **گزینهٔ ۱** برای مقاومت در برابر سیاست جهانی‌سازی اقتصادی قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی، پیمان‌هایی از قبیل جنبش عدم تعهد (درستی گزینهٔ «۳»)، اتحادیهٔ عرب (درستی گزینهٔ «۴»)، سازمان کنفرانس اسلامی (درستی گزینهٔ «۲») و ... بین دولت‌ها شکل گرفته است.

۹۰۷. **گزینهٔ ۴** پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود (رد گزینه‌های «۲» و «۳») و به‌گونه‌ای مستقل بود (رد گزینهٔ «۱»).

۹۰۸. **گزینهٔ ۲** پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). / جنگ‌های صلیبی، مواجههٔ اروپاییان با مسلمانان و بالاخره فتح قسطنطنیه، زمینه‌های فروریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد (رد گزینهٔ «۴»). / زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد. / تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود.

۹۰۹. **گزینهٔ ۴** جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی (رد گزینه‌های «۱» و «۳») را مدیریت می‌کند؛ اما از طریق توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی و تثبیت مرجعیت علمی غرب، تربیت نخبگان کشورهای غیرغربی را انجام می‌دهد. در شرایطی که جوامع غیرغربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی مورد نظر به دست می‌گیرد. صنعت ارتباطات (رد گزینهٔ «۲»)، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند.

۹۱۰. **گزینهٔ ۲** به‌تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی و گسترش صنعت ارتباطات (نه تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده)، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست (رد گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»). / با رشد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا (نه اهمیت یافتن ابزارهای فرهنگی به‌ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات)، زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب - رعیتی فراهم شد.

۹۱۱. **گزینهٔ ۳** اقتصاد سرمایه‌محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»). / کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند، ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست، بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین‌ترتیب، با وجود رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی، همچنان حفظ می‌شود.

۹۱۲. **گزینهٔ ۱** توسعهٔ صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به‌صورت دهکده‌ای واحد درآورده است (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / کشورهای غربی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیرغربی نیاز داشتند. آن‌ها برای تأمین منافع اقتصادی خود نیازمند در هم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آن‌ها را تحمل نمی‌کردند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف در وهلهٔ نخست از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده می‌کردند (رد گزینهٔ «۳»). / از پایان قرن بیستم، با افول حس‌گرایی، فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت‌شناختی شده است. / دولت - ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی - اقتصادی جدیدی بودند که نخستین‌بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند.

۹۱۳. **گزینهٔ ۴** بلوک شرق شامل شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و چین بود (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). / مارکس در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری فقط با یک انقلاب قابل حل بود (رد گزینهٔ «۲»). / چالش بلوک شرق و غرب، از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرد. / لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت.

۹۱۴. **گزینهٔ ۳** جوامع سوسیالیستی با دو مشکل اساسی روبه‌رو شدند: ۱. از بین رفتن آزادی افراد ۲. پیدایش طبقهٔ جدید

۹۱۵. **گزینهٔ ۳** لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی (رد گزینه‌های «۱» و «۴»)، به‌ویژه آزادی اقتصادی (رد گزینهٔ «۲»)، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین‌ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت.

۹۱۶. **گزینهٔ ۱** لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / لیبرالیسم اولیه، کشاورزان را از بردگی رها کرد و به آن‌ها اجازه داد که مهاجرت کنند (درستی گزینهٔ «۳»).
دلیل نادرستی عبارت دوم گزینهٔ «۱»: لیبرالیسم اولیه، موانع پیشین، مانند غیرقابل فروش بودن زمین را از پیش پای صاحبان ثروت برداشت و کشاورزان را به کارگرانی تبدیل کرد که سرمایهٔ وجود خود را به صاحبان ثروت و صنعت می‌فروختند.

۹۱۷. **گزینهٔ ۱** بررسی عبارت‌ها: عبارت اول: نادرست؛ نظریه‌پردازان لیبرال، آزادیِ فعالیتِ صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند و جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / عبارت دوم: نادرست؛ لیبرالیسم اولیه بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت و به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود (رد گزینهٔ «۳»). / عبارت‌های سوم و چهارم: درست.

۹۱۸. **گزینهٔ ۳** این دو قطب، با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک، درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند (رد گزینهٔ «۲»). چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرد (رد گزینهٔ «۱»). این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود (رد گزینهٔ «۴»)، بلکه چالشی جهانی بود. چالش و نزاع بلوک شرق و غرب، در سراسر قرن بیستم تا زمان فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ م ادامه یافت.

۹۱۹. **گزینهٔ ۳** مارکس، در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری، فقط با یک انقلاب قابل حل بود (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / از نظر مالتوس، جمعیت‌شناس انگلیسی، کسانی که در فقر متولد می‌شوند حق حیات ندارند. او در این باره گفته است: انسانی که در دنیای ازقبل‌تملک‌شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ حقی برای دریافت کمترین غذا یا چون‌وچرا دربارهٔ مقام و موقعیت خود ندارد (رد گزینهٔ «۱»). / ریکاردو، اقتصاددان مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آن‌ها و پیدایش مشکلات بعدی می‌داند. / از نظر مالتوس، جمعیت‌شناس انگلیسی، انسانی که در دنیای ازقبل‌تملک‌شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ حقی برای دریافت کمترین غذا یا چون‌وچرا دربارهٔ مقام و موقعیت خود ندارد. بر سر سفرهٔ گسترده طبیعت جایی برای او وجود ندارد، طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد و این حکم را اجرا می‌کند.

۹۲۰. **گزینهٔ ۲** بررسی عبارت‌ها: عبارت اول: نادرست؛ دیکنز (نه ریکاردو) در رمان «الیورتویست»، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که مدافع آن‌ها بودند، به سخره گرفت (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). / عبارت‌های دوم و سوم: درست؛ (رد گزینهٔ «۳»). / عبارت چهارم: نادرست؛ لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین‌ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست (نه بحران اقتصادی)، در کشورهای غربی شکل گرفت.

۹۲۱. **گزینهٔ ۲** بلوک شرق، شامل شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و چین بود و بلوک غرب، آمریکا و اروپای غربی را در بر می‌گرفت. چالش بلوک شرق و غرب، چالشی منطقه‌ای نبود، بلکه چالشی جهانی بود.

۹۲۲. **گزینهٔ ۲** لیبرالیسم اولیه، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت، به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود و روابط اجتماعی ارباب - رعیتی را در هم ریخت. کشاورزان را از بردگی رها کرد، به آن‌ها اجازه داد که مهاجرت کنند و دربارهٔ شیوهٔ زندگی خود تصمیم بگیرند (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). / لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت (رد گزینهٔ «۴»). / رویکرد مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود. / جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند.

۹۲۳. **گزینهٔ ۱** لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین‌ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). / در انگلستان که در انقلاب صنعتی پیشگام بود، وضعیت نوانخانه‌ها به‌گونه‌ای بود که فقیران ساکن در آنجا مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند (رد گزینهٔ «۴»). / جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار دادند؛ اما آن‌ها نیز با مشکلات اساسی مواجه شدند. / لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت.

۹۲۴. **گزینهٔ ۴** لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). / از نظر مالتوس جمعیت‌شناس انگلیسی، کسانی که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند (رد گزینهٔ «۱»). / بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان این نظریه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند. به همین سبب آن‌ها را با عنوان دو جریان چپ و راست می‌شناختند. / مارکس در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری فقط با یک انقلاب قابل حل بود.

۹۲۵. **گزینهٔ ۴** مارکس در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری فقط با یک انقلاب قابل حل بود (رد گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»).

در جوامع سوسیالیستی، به بهانهٔ عدالت اقتصادی، نه تنها آزادی معنوی، بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت. / دو قطب شرق و غرب، با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند. / بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان این نظریه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند.

۹۲۶. **گزینهٔ ۱** لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین‌ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). / دیکنز در رمان «الیورتویست»، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که مدافع آن‌ها بودند به سخره گرفت (چالش فقر و غنا). / چالش و نزاع بلوک شرق و غرب، در سراسر قرن بیستم تا زمان فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ م ادامه یافت. این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود، بلکه چالشی جهانی بود. / بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند.

۹۲۷. **گزینهٔ ۲** ریکاردو، اقتصاددان مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آن‌ها و پیدایش مشکلات بعدی می‌داند.

۹۲۸. **گزینهٔ ۲** نظریه‌پردازان لیبرال، آزادیِ فعالیتِ صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). / دیکنز، در رمان «الیورتویست»، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که مدافع آن‌ها بودند، به سخره گرفت (رد گزینهٔ «۴»). / مارکس، سوسیالیسم را مرحله‌ای انتقالی برای رسیدن به کمونیسم می‌دانست. / اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود.

۹۲۹. **گزینهٔ ۱** دلیل نادرستی گزینهٔ «۱»: لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند. لیبرالیسم اولیه، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت و به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود.

۹۳۰. **گزینهٔ ۳** نظریه‌پردازان لیبرال، آزادیِ فعالیتِ صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند (رد گزینه‌های «۲» و «۴») و مخالف هر نوع مداخلهٔ دولت در اقتصاد بودند.

۹۳۱. **گزینهٔ ۲** مارکس، در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم (رد گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»)، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری فقط با یک انقلاب قابل حل بود.

۹۳۲. **گزینهٔ ۳** بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی، در طرف راست و منتقدان این نظریه، در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند. به همین سبب آن‌ها را با عنوان دو جریان چپ و راست می‌شناختند.

۹۳۳. **گزینهٔ ۲** لیبرالیسم اولیه، با تکیه بر شعار آزادی، به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین‌ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت.

۹۳۴. **گزینهٔ ۴** دلیل نادرستی گزینهٔ «۴»: چالش بلوک شرق و غرب، از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، شکل می‌گیرد.

۹۳۵. **گزینهٔ ۴** حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی، موجب آن شد که دولتمردان انگلیسی از جمله لرد جان راسل، پدربزرگ برتراند راسل فیلسوف مشهور، از هر اقدامی برای مقابله با قحطی ایرلند خودداری کنند.

۹۳۶. **گزینهٔ ۳** اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود که در آن، کشاورزان وابسته به زمین بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند؛ اما لیبرالیسم اولیه، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت، به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود و روابط اجتماعی ارباب - رعیتی را در هم ریخت.